

سیدمسالوویه	
<div>مؤسسه مطبوعاتی هوشمند رسانه امروز</div>	
مدیر مسئول:	
مازیار هوشمند	
سر دبیر:	
علی هوشمند	
مدیر گرافیک:	
فاطمه فیصلی	
صفحه آرا:	
محمد عباسی	
نشانی دفتر مرکزی:	پوشهر-خیابان طالقانی-بعد از پمپ بنزین وزیری-ساختمان شاتل - طبقه اول-واحد ۲
تلفن:	
۰۹۱۷۶۶۶۰۵۵۲	
نمابر:	
۰۲۱-۸۹۷۸۳۳۳۱	
پست الکترونیکی:	
payameasalooye@gmail.com	
p.asalooye@gmail.com	
وبسایت:	payameasalooye.ir
چاپ:شاخه سبز	

این نامه اخلاق حرفه ای روزنامه پیام مسالویه را در payameasalooye.ir بخوانید

شماره ۱۹۴۴ - سه شنبه ۱۷ خرداد ماه ۱۴۰۱

رتبه ۴ امتیاز ۴۳/۲

## یادمان

**خاطره احمد مسجدجامعی از**

**مهمانانی که سرزده به خانه**

**محمود دعایی رفقتد**



احمد مسجدجامعی، در دل نوشته‌ای به مناسبت درگذشت سیدمحمود دعایی، از خاطره بازدید سرزده او و همراهانش از خانه آن مرحوم یاد کرد و از ساده‌زیستی، صفای باطن و آرامش او نوشت.

احمد مسجدجامعی، قائم‌مقام رییس مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، در پی درگذشت حجت‌الاسلام سیدمحمود دعایی، دل‌نوشته و پیام تسلیتی را منتشر کرد.

در نوشتار وزیر اسبق فرهنگ و ارشاد اسلامی و عضو پیشین شورای شهر تهران آمده است:

«قدیمی‌ترین مدیر فرهنگی رسانه‌ای کشور، حجت‌الاسلام سیدمحمود دعایی درگذشت. او از پیشگامان نهضت امام خمینی بود و از آغاز کار با ایشان همراه و هم‌پیمان شد و تا پایان عمر بر این عهد استوار ماند.

پایداری او در این راه چه در زمان زندگی مرحوم امام و چه پس از آن همواره پیدا بود.در کمتر محفل و مجلسی بود که او سخن بگوید و با بیانی شیرین یادی از امام نکند و نکته‌ای یا خاطره‌ای ننگوید.

روحیه خضوع در او بارز بود و ندیدم در صف اوّل مجلسی نشسته باشد؛ با اهل فرهنگ و هنر بسی مهربان بود و در حیات و ممات از همراهی آن‌ها کناره نمی‌گرفت.

در روزنامه وزین اطلاعات جایی برای گروه‌های گوناگون وجود داشت و نوشته‌ها و گفته‌ها و بزرگداشت‌ها و یادداشت‌های آن‌ها چاپ می‌شد. چراکه او وجه فرهنگی انقلاب را نمایندگی می‌کرد و جایگاه فرهنگی‌اش بارزتر از وجوه دیگرش بود. ایشان در بین عموم اصحاب فرهنگ و هنر و رسانه به کرامت و رحمت و بزرگمنشی شناخته می‌شد.

استواراش در مواضع سیاسی جز درایت ناشی از نوعی شجاعت همراه با متانت و آرامش بود. نه با پادها از جا می‌جنبید و نه در ابراز مواضعش فریادهای بلند می‌کشید؛ حتی در شرایط دشوار به شخصیت‌هایی که از مناسبات قدرت کنار گذاشته می‌شدند، بی‌اعتنایی و در حق آن‌ها کوتاهی نمی‌کرد و گاه احترام او به ایشان بیشتر بروز می‌کرد.او چندین دوره نماینده مردم پایتخت در مجلس شورای اسلامی شد که نشان از اعتماد عمومی به مشی و منش ایشان بوده است.

حتی مخالفان منصف هم در حق او بد نمی‌گفتند. خود او هم به شیوه‌ای زیست و رفتار می‌کرد که یاد و خاطره امام را مخدوش نکند.منزل مسکونی او در شهرآرا بود، نه در برج‌ها و ویلاهای آن‌چنانی یک نیمه شعبان، با گروه تهران‌گردی به خانه ایشان رفتم، آن‌چنان ساده و صمیمی برخورد کرد که خاطره‌ای ماندگار در ذهن حاضران به جا گذاشت.

از اتفاق، گروهی از همسایگان و اهل محل که از آمدودش ما باخبر شدند نیز به دیدارش آمدند و حدود سی‌نفر در اتاق‌های خانه دوبطیقه او تقسیم شدیم و صبحانه‌ای که به‌دست همسر فرزندان، عروس‌ها و داماد او در منزل تهیه شده بود، خوردیم. آقای دعایی در پایان، جدی و صمیمانه از همه مهمانان خوانده و ناخوانده دعوت کرد که در هر نیمه شعبان در همین‌جا میزبان ما باشند.

**هر روز، روزنامه**  
**مسالویه**  
**بیام**  
**با ما بهتر دیده شوید**  
**را بخوانید**  
**۰۷۷۳۲۰۴۸۷۲**

### پیام

**پیام تسلیت رهبر انقلاب**

**برای درگذشت حجت‌الاسلام دعایی**



رهبر انقلاب اسلامی در پیامی درگذشت مبارز قدیمی و یار دیرین امام بزرگوار حجت‌الاسلام سید محمود دعائی را تسلیت گفتند.
به گزارش ایسنا، متن پیام حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به این شرح است:

«بسم الله الرحمن الرحيم
درگذشت مبارز قدیمی و یار دیرین امام بزرگوار جناب حجت‌الاسلام آقای سیدمحمود دعائی رحمة‌الله علیه را به خاندان گرامی بویژه همسر و فرزندان مکرم و نیز مجموعه‌ی بزرگ دوستداران و همکاران ایشان تسلیت عرض میکنم. ایشان برخوردار از صفات نیک و پسندیدمئی بودند: صفا و سلامت نفس، فروتنی و ساده‌زیستی، پاکدستی و قناعت، ارادت عمیق و راسخ به امام بزرگوار و انقلاب و پایداری و وفا در دوستی و رفاقت. گذشته‌ی ایشان در عراق و ایران در دوران مبارزات هم فصل مشیبع دیگری است که موجب رحمت و مغفرت الهی است
إن‌شاءالله. از خداوند متعال تفصّلاتش را برای آن مرحوم مسألت میکنم.»

سیدعلی خامنه‌ای

۱۶ خرداد ۱۴۰۱

**گریه و ستایش مرادی کرمانی برای**

**محمود دعایی**



هوشنگ مرادی کرمانی با بیان این‌که سیدمحمود دعایی آدم متواضع و فروتنی بود می‌گوید: بارها به ایشان گفتم تواضع و فروتنی را کلی شرمندہ کرده‌ای.

این نویسنده پیشکسوت ادبیات کودک و نوجوان در پی درگذشت حجت‌الاسلام والمسلمین سیدمحمود دعایی در گفت‌وگو با ایسنا، درباره یار کرمانی خود در تهران اظهار کرد: چه می‌توانم درباره‌اش بگویم؟

ایشان آن‌قدر در مقابل‌های آدم‌های کوچک و بزرگ متواضع و فروتن بودند که یک‌بار به او گفتم «پیش آمده از این تواضع و فروتنی خسته شوید و یا این مسئله برای‌تان دردسر و توهینی شود؟» گفت «بعضی‌ها گفته‌اند اما من برای این حرف‌ها اهمیتی قائل نیستم، از این‌که به بندگان خدا دارای هر نوع تفکر و عقیده‌ای، احترام بگذارم خوشحال می‌شوم.»

بارها شنیده‌ام که گفته‌اند دعایی تنها مدیری در سرتاسر ایران است که هر وقت بخواهید می‌توانید یک‌راست بروید اتاقش و با او صحبت کنید، بی‌آن‌که نگهبان و دربان و محافظی داشته باشد.

او همه را دوست داشت و به من کمی بیشتر لطف می‌کرد، بغل می‌کرد و بوسه‌های طولانی روی صورت و پیشانی داشت.

مرادی کرمانی با گریه افزود: یک روز به او گفتم آقای دعایی همه هنرمندان ایران با نماز شما به طرف جهانی دیگر می‌روند، شما چه محبتی نسبت به هنرمندان دارید، شما هنرمنددوست هستید. هرکسی را نگاه کنید، خواهید دید دعایی برایش نماز خوانده است. او مرد بسیار مهربان و صمیمی و آدم دردکشیده‌ای بود.

او سپس با بغض خاطره‌ای از دعایی تعریف کرد: ساختمانی قدیمی در کرمان هست که الان به کتابخانه ملی کرمان تبدیل شده است. زمان افتتاحیه عده‌ای از کرمانی‌هایی را که در تهران بودیم، دعوت کرده بودند و هرکسی در آن‌جا صحبت می‌کرد و خاطرات خودش را می‌گفت. این محل در گذشته کارخانه نخ‌ریسی بود که انگلیسی‌ها در زمان جنگ جهانی دوم تأسیس کرده بودند. آقای دعایی پشت میکروفن که رفت به جای این‌که حرف بزند، سرش را روی تریبون گذاشت و شروع به گریه کرد.

همه مات‌شان برد که چرا این کار را می‌کند. بعد از گریه گفت، مادرم همین‌جا فوت شد، این‌جایی که الان کتابخانه شده است؛ مادر من خدمتکار این‌جا بود، جارو می‌کشید و سرفه می‌کرد. من بچه یتیمی بودم و می‌آدم پشت دیوار(دیوار آجری بود) لقمه نانی، گاه گوشت کوبیده بود و گاه پنیر به من می‌داد که ناهار بخورم و مدرسه بروم.

مادرم می‌رسید سیر شدی؟ با این‌که هیچ‌وقت سیر نشده بودم، می‌گفتم سیر شدم چون می‌دانستم لقمه‌ای ندارد و اگر بگویم سیر نشده‌ام خجالت می‌کشد. می‌گفتم خودت هم لقمه‌ای بخور. او این حرف‌ها را با گریه می‌زد و همه متأثر شدند. همیشه برای او گریه می‌کردم. صحنه عجیبی بود و تا مغز استخوانم را سوزاند.

این نویسنده ادامه داد: در «شما که غریبه نیستید» هر وقت می‌خواستم از فقر و بی‌کسی و تنهایی حرف بزنم، می‌گفتم زشت است و شخصیتم از بین می‌رود اما یادم می‌آمد که دعایی آمد و در جمع چنین حرفی زد و گفت مادر من جاروکش این‌جا بود. نویسنده‌ام و بدون قصه نمی‌توانم حرف بزنم. این قصه خود ابعاد شخصیتی این آدم را نشان می‌دهد. من کاری به دیدگاه‌های سیاسی و مسائل دیگری که داشت، ندارم.

از دیدگاه نویسنده به این شخصیت نگاه می‌کنم، این ماجرا آن‌قدر روی من تأثیر گذاشت که تا مدت‌ها حالم بد بود. وقتی می‌خواستم موقعیت‌های زندگی‌ام و تحقیری را که شده بودم، بنویسم یاد او می‌افتادم، می‌گفتم او این حرف‌ها را زد و تحقیر نشد، او با صدقتی که داشت این حرف‌ها را زد.

مرادی کرمانی با تأکید بر این‌که زنده‌یاد دعایی ابعاد بسیار بسیار زیادی داشت، خاطرنشان کرد: گاه فکر می‌کردم اگر مشکلی داشته باشم، به چه کسی بگویم. با خودم می‌گفتم دعایی تنها کسی است که می‌شود با او درد دل کرد. اگر گرفتاری پیدا می‌کردید، این آدم می‌توانست راحت حرف بزند، لاقال به حرف آدم گوش می‌کرد.

چیزی که ایشان داشت فضای باز ذهنی و افق دید گسترده بود، خیلی به زندگی آدم‌ها و عقایدشان کار نداشت. همه را با دید انسانی می‌دید و می‌گفت آن‌ها هم بنده خدا هستند، کاش همه همین‌طور بودند؛ کسانی که مدعی کشیدن گوشه‌گلیمی از آب گل‌آلود امروزه برای مردم هستند. وقتی خبر رفتنش را شنیدم، خیلی ادیت شد.

### یادداشت

**دعایی به روایت مدیرکل**

**مطبوعات‌داخلی**



ایمان شمسایی، مدیرکل مطبوعات و خبرگزاری‌های داخلی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با نگارش یادداشتی درباره حجت الاسلام سید محمود دعایی، پاره‌ای از ویژگی‌های اخلاقی و حرفه‌ای مدیرمسئول فقید روزنامه‌ی اطلاعات را یادآور شده است.
در متن یادداشت شمسایی که با عنوان «شیخ رسانه، سید اخلاق» نوشته شده، آمده است:

«آخرین بار در مراسم بزرگداشت مرحوم کیومرث صابری و نشست طنزپردازان با وزیر ارشاد او را دیدم. ۹ رددیبهشت سال جاری.

تقریباً غیرممکن بود او را به محفل دعوت کنی و نیایید. با پیکان سفید معروف که شاید دوسه تا از آن بیشتر در پایتخت یافت نشود.

حجت الاسلام سید محمود دعایی یک زحمت اساسی برای میزبانان مراسم ها داشت؛ چرا که با هیچ اجبار و خواهشی در ردیف اول نمی نشست و از آنها اصرار و از وی انکار.

قدیمی‌ترین مدیر رسانه‌ی ایران در قدیمی‌ترین روزنامه‌ی ایران به گونه ای کار می کرد که کسی از او نرنجد. نه خبرنگار، نه مسئول.

سید محمود دعایی به راستی نماد وحدت بین سیاسیون و رسانه ای ها بود. از طرفی با جایگاه نمایندگی ولی فقیه و حکمی که از امام و رهبر معظم انقلاب داشت، مورد تایید انقلابیون بود و با مشی سیاسی و روش برخورد با کارگزاران نظام و چهره های سیاسی، از منتهی الیه راست تا چپ را شامل می شد.

هرچند نقدهایی به مواضعش بود اما محال بود مخالفانش هم با او روبرو شوند و احترام متقابل بینشان رد و بدل نشود.

اهمیت سید محمود دعایی برای فضای رسانه ای کشور به همین مشی و روش ختم نمی شد. موسسه ی اطلاعات، کانون پرورش نویسندگان و نخبگانی از رسانه و فرهنگ بود که پاتوقشان این رسانه بود. مانند مرحوم کیومرث صابری فومنی ملقب به گل آقا که ذکر آن در ابتدای سخن رفت.

حجت الاسلام دعایی انس و الفت عجیبی با امام راحل عظیم الشانان داشت. مجالست او با امام در ایام تبئید و رفت و آمدهایش در بیت ایشان و پس از آن با رهبر معظم انقلاب از او چهره ای ساخت که خود به خود آدم را یاد نهضت امام می انداخت. رفتن او از این جهان در چنین روز و ایامی هم پر از تامل و حکمت است. چرا که نیمه ی خرداد و سالروز آغاز نهضت خمینی کبیر را امام بر سر زبان ها انداخت و تا همیشه این روز را عزای عمومی اعلام کرد. ارتحال حجت الاسلام دعایی در چنین روزی و مصادف با دهه کرامت و ایام متعلق به امام رضا علیه السلام، توفیقی مضاعف برای این سید متواضع و دوست داشتنی شد تا بیش از گذشته با امام و اهل بیت علیهم السلام عجین و قرین جلوه کند.

اگر با درگذشت عالمان، ثلمه یا خدشه ای وارد می شود که چیزی آن را پر نمی کند، در فضای رسانه هم جای خالی دعایی پر نخواهد شد.

درسی که این سید دوست داشتنی برای جوان تر ها داشت، اخلاق، تواضع، مدارا و تقوا بود. دعایی به ما آموخت می شود حرف کسی را قبول نداشت اما با او نشست و از درک مشترک گفت.

فقدانش برای همه سنگین و جانکا است. چه برای عزیزانمان در موسسه اطلاعات که پدري مهربان را از دست دادند و چه برای سایر اهالی رسانه. روحش با امام مهربانی ها همنشین باد.»

### تماشا



## یادداشت

**چرا دعایی محبوب است؟**



حسین انتظامی

این متنی است که در سال ۹۴ برای آن بزرگمرد بی‌ادعا نوشته‌ام.
نکوداشت سید اهالی مطبوعات، حجت الاسلام والمسلمین حاج سید محمود دعایی بهانه و مناسبت مناسبی است که وجوه والای شخصیت او واکاوی و بیان شود تا علاوه بر تکریم این نامور دانشور، رهیافتی الگویی نیز داشته باشد:

۱. حاج آقای دعایی، یار دیرین امام راحل بوده است. یک چهره مبارز و انقلابی که همپای و بسیاری از بزرگان انقلاب، در قم و نجف، یاری و همراهی امام را افتخار خود می دانسته اند.
۲. شخصیت متواضع و کتوم او مانع از پدیداری تشریفات‌گریز است؛ در میان مردم است؛ غم



آن می‌خورد و به لبخندی مهمانشان می کند و از این جهت به سلک آخوندی پایبند است.

۹. هر رسانه، عجیب رنگ و بوی گردانندگان خود را دارد. اگر اطلاعات، عیوس و عصبانی و عیب‌جو و پردردر وپرداعا و جنجال‌پیشه و دروغگو نیست که مرسوم است عملا سامانده اش باشد؛ حتی حدس می زنیم زمانی اطلاع یافته که کار از کار گذشته بوده! این ابرام سبب می شود خدایش نیز مهر او را بر دلها بیفتد.

۳. سابقه دیرین و دیرپا در مطبوعات، فی نفسه او را به یکی از نمادها و ارکان وثیق مطبوعات بدل کرده است.

۴. او از معدود کسانی است که بسان موالی اش دعوت به دین و انقلاب را با غیرزبان، سرلوحه خویش ساخته است. روش یا گوهری کمیاب و بلکه نایاب که نیاز این روزهای جامعه ماست. ادب، اعتدال، انصاف، فرزانگی، متانت، فروتنی، جوانمردی، خوشرویی، شوخ‌طبعی، مهربانی، دستگیری، صبوری، رازداری، خطاپوشی و سایر صفاتی که خوبان دارند، او یکجا دارد.

۵. در حالی که دیگرانی با سابقه و سطح کمتر از او، شَأن یا مشغله را بهانه می سازند اما او تقریباً در تمامی مراسم مطبوعاتی حضور می‌یابد و از

**سید محمود دعایی؛ مبارز**

**سیاسی و بیزار از سیاست‌بازی**



اینکه چنین رسانه ی تاثیرگذار و پرتیراژی در سال های مدیریت حاج آقا دعایی با کمترین چالش و مشکلی مواجهه شده است، موبد اشراف کامل ری بر مدیریت رسانه و کنترل وقایع و چالش هایی است که همواره در فضای رسانه ها دیده می شود. خضوع، اخلاق مداری، دوری از قدرت طلبی و سیاست‌بازی ،اشراف وافی بر فضای رسانه و سیاست، تعهد و وفاداری به آرمان های انقلاب، ولائگان مشترکی است که با مرور پیام ها و یادداشت های منتشر شده در توصیف ایشان دیده می شود. اینکه ساعاتی پس از رحلت ایشان شخصیت های شناخته شده ی رسانه و سیاست از هر جناح و سلیقه ای سجایای اخلاقی ایشان را دست مایه ی سخنان خویش می کنند، مهر تاییدی است بر مردم داری و اوصاف انسانی ایشان. خدایش بیامرزاد.